روزنامه شرق

سه‌شنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۵
۱۸ شوال ۱۴۴۷
۷ آوریل ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۵۴
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

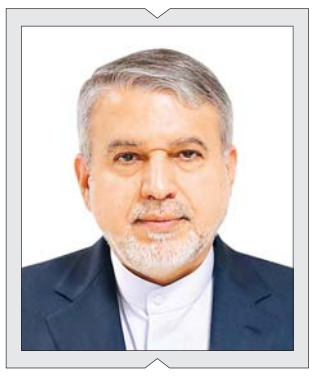

صالحی‌امیری:
دشمن عامدانه و آگاهانه تمدن ایران را هدف قرار داد

۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: پالس‌های متفاوت کره شمالی برای مذاکره با کاخ سفید • آسیب جنگ به ۳۰ هزار مددجوی بهزیستی • ۱۲ بیمارستان به‌طور کامل تخریب شد

«شرق» از روندهای پشت پرده دیپلماسی پیش از ضرب‌الاجل ترامپ گزارش می‌دهد

از بحران تا مذاکره

گزارش تیتر یک را در صفحه ۲ بخوانید

در سی‌وهشتمین روز جنگ، دانشگاه شریف و تأسیسات پتروشیمی هدف قرار گرفتند

حمله به دانشگاه و پتروشیمی

این گزارش را در صفحه‌های ۳ و ۵ بخوانید

یادداشت

مقدمه‌ای در شناخت تحولات جنگ رمضان و تبیینی در ستایش ملت بزرگ ایران

حسین نصیری

۱- قدرت رزم و توان بازدارندگی نیروهای نظامی و پاسخ‌های کوبنده ایران در جنگ ۱۲روزه آمریکا-اسرائیل و به‌ویژه جنگ جنایتکارانه تحمیلی یک‌ماهه اخیر، در مقام دفاع جانانه از بقای سرزمینی و ملت و فرهنگ و اسلام و انقلاب ایران، جهان را به شگفتی واداشت! واقعیتی که بیش از همیشه در دل و روان مردم اطمینان آفرید و توهم و توطئه‌های کینه‌توزانه دشمنان قسم‌خورده این کشور را نقش بر آب کرد! اراده خدشه‌ناپذیر، ایمان و تدابیر سربازان فداکار وطن صفحه جدیدی را در تاریخ سربلندی ایران به قوت ثبت کرد.

۲- آنان در تجاوز ۱۲روزه با آمادگی‌های وسیع برای درهم‌شکستن ایران آمده بودند و هرگز تصور شکست رسوای روزهای انتهایی را در مفروضات خود نداشتند. در جنگ اخیر نیز از قرار با رفع نقاط ضعف تجربه پیشین، حمله کردند تا به نظر خود پروژه نیمه‌تمام خود را تمام و با چیرگی کار ایران و نه‌فقط جمهوری اسلامی را یکسره کنند! ولی هر روز که گذشت، سربازان سربلند و شجاع و مؤمن این ملک در رزم و دفاع صفحات جدیدی از بالندگی و افتخار را در برابر نگاه جهانیان برگشودند. آمده بودند برای سوریه‌ای و... کردن ایران! بنای آنارشی و تمهید جنگ داخلی و تجزیه داشتند.

- قرار بود آن‌گونه که رسم دیرینه استعمار است (نظیر Thuggeries، گروه‌های خشن اجیرشده در هند از سوی انگلیس و...)، در شهرها و... با میدان‌داری عناصر مسلح سازمان‌دهی‌شده خود و زورگویانی ماجراجو، با نیرنگ و با سوءاستفاده از نارضایتی‌های اقشار مردم معترض و ایجاد ناامنی و بسط آن، نبود امنیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... را به واقعیت نمایان کشور تبدیل کنند.

- قرار بود در جریان خیانت، ناکسان دست‌آموزی را که طی دهه‌ها پروار کرده بودند، با پشتیبانی‌های تجهیزاتی و مالی وسیع و داعیه‌ها و توهماتی جعلی در مناطق مرزی در برابر ایران قرار دهند. روند پرآشوبی که طی آن گروهک‌های مسلح وابسته به بیگانگان و باندهای بزهکار، در برابر دولت مستقر صف‌آرایی کرده و در دشمنی با تمامیت ارضی و تاریخ و فرهنگ ایران، جدایی و نقار و خشونت را برای دهه‌ها به قاعده جاری این کهن مرزوبوم تبدیل می‌کردند و با برساخت هویت‌های مجعول و رجحان توهمات فرومایه در برابر هویت و منافع ملی، با فاصله‌گذاری بین ملت و غیرسازی و خلق دشمنی‌های تصنعی، مآلا با برافروختن جنگ‌های داخلی خون‌بار، تجزیه کشور را در نظر اجانب ضد ایران به چاره‌ای ناگزیر تبدیل می‌کرد. توطئه‌ای اهریمنی که می‌توان به صورت مستند با سوابق و مکتوبات تاریخی معتبر، پیشینه، عاملان روسیاه و مصائب شرم‌آورشان را در تاریخ سده‌های گذشته ایران عزیز و جهان ردیابی کرد.

۳- از آثار شوم و معمول جنگ‌ها، ایجاد اختلال در شبکه تهیه و توزیع و بروز کمبودهایی در اقلام مورد نیاز مردم و ناتوانی در اداره معیشت خانواده‌ها است که نگرانی‌های روانی و بیم‌هایی را موجب شده و گاه در جوامعی با ناامنی‌های اجتماعی کم یا زیادی همراه می‌شود. آن‌گونه که روند امور جاری آشکارا حکایت می‌کند، با وجود فراگیری جنگ و بمباران و... زندگی در سراسر کشور اکنون به صورت کاملا روان جریان دارد و هیچ اثری از ازدحام و صف‌های طویل و ناآرامی وجود ندارد و به دلیل ابتکاراتی سنجیده، جریان عرضه کالا روان است و با تحرک و قاطعیت نهادهای نظارتی، از گران‌فروشی (کمینه اقلام ضروری مصرفی) و احتکار خبری نیست. جالب آنکه این فراوانی و نظم، خبرنگاران خارجی را به تعجب واداشته و در گزارش‌های آنان این شگفتی لحاظ شده است. با این توصیف، آرامش موجود خانواده‌ها، نشانه معتبری است از توفیق دولت آقای پزشکیان و نظام اجرائی در مدیریت شرایط بحرانی کشور است که کارستان است و بنابراین شایسته تقدیر بسیار.

۴- با وجود گستردگی و ویرانگری حملات و بمباران‌ها و فراوانی خانه‌های خالی، با دستورالعمل‌ها و اقدامات قاطع انتظامی و تمرکزیافتن نیروها بر وظایف ذاتی، در عرصه اجتماعی خبرهای چندانی از ناامنی و دزدی و غارتگری و... (که باز در شرایط بحرانی جوامع متعارف تلقی می‌شود) نیست، جامعه امن و آرام است.

۵- مهربانی و فداکاری در جامعه گسترده شده است و اقشار مختلف با درک این موقعیت ویژه سعی دارند سهم خود در این میدان را به‌خوبی ادا کنند. نانوایی می‌نویسد: «تا ما زنده‌ایم در این محله کسی بی‌نان نمی‌ماند» و مغازه دیگری: «بی‌خیال! ببرید بعد جنگ بیایید حساب کنید» و ماشینی که از مسافران کرایه نمی‌گیرد. در شهرها و روستاها مانند جنگ ۱۲روزه، درِ خانه‌های خود را برای مسافران گشوده‌اند. دراین‌باره مثال‌های زیبا فراوان‌اند، مراد فقط «چشیدن به قدر تشنگی» بود. باوجوداین قطعا نمی‌توان از تلاش‌های جانانه و خطرپذیری‌های گروه‌های امدادی، از آتش‌نشانان شجاع تا کارکنان زحمتکش هلال‌احمر و کادر پزشکی و... و همراهی جوانان داوطلب بدون تحسین گذشت و آن امدادگر گمنام بی‌ادعای فداکاری که در این شرایط ۱۵ روز است به خانه نرفته است.

۶- براساس مستندات و گزارش‌های فراوان، برای اسرائیل و محافل صهیونیستی ضد ایران و دولت کنونی آمریکا و... جنگ ۱۲روزه و سپس جنگ تحمیلی اخیر، تمهیدی برنامه‌ریزی‌شده بود تا یک درگیری خارجی ویرانگر گسترده، زمینه‌ای فراهم بیاورد برای سرآغاز و استمرار ناآرامی‌ها و ناامنی‌های پراکنده درون ملت (به تعبیر یونسکو) و سپس در تداوم، توطئه تکمیل می‌شد با شورش و درگیری‌های مسلحانه داخلی در مناطقی از کشور. قرار بود با سوء استفاده از نارضایتی‌ها و اعتراضات مدنی و به منظور منحرف‌کردن آن، گزارش‌های جهت‌دار مکرری در رسانه‌هایی خاص پراکنده شود (پیوست عملیات روانی و تبلیغاتی پروژه) و طی آنها آشکارا سعی شود اعتراض به منازعه تبدیل و درگیری‌های خشونت‌آمیز شبانه تشویق شود و آن‌گاه با خرابکاری و به آتش کشیدن اموال عمومی (وندالیسم) و... عرصه‌های شهری از سوی ناکسان مسلح تصرف شود. فرایندی خائنانه و بی‌بنیان که مآلاً با هدایت اجانب و به‌کارگیری کانون‌های شورشی و دمیدن در ناره کینه و دشمنی، برادرکشی و درگیری از شهرها و مناطقی آغاز و سپس با تسری، در غالب صورت‌بندی کشور خود می‌نمایاند و فراگیر می‌شد.

۷- همان‌گونه که طرح شد، بنای اسرائیل و دولت ترامپ و هم‌پیمانان منطقه‌ای و غربی، ساخت هرج‌ومرج و یک آنارشی آکنده از خشونت دوسویه خطرناک ضد ملی بود تا با برساخت تصور آشتی‌ناپذیری و دوگانه کینه و خون‌خواهی بین دولت و ملت و در نتیجه مشروعیت‌زدایی، در ارکان دولت و حکومت مرکزی تزلزل ایجاد شود. بر مبنای این نقشه اهریمنی ضد ایران، در پی بحران حاصل از بمباران و حملات (غیرمنتظره) گسترده نظامی و خلأ مدیریتی ناشی از ترور شخصیت‌های اصلی جمهوری اسلامی، مجموعه‌ای با این مختصات و کنش‌ها به صورت طبیعی می‌توانست تبدیل به جنگ داخلی شود. ذوق‌زدگی و صراحت لهجه زودهنگام صهیونیست‌ها، ترامپ و پاره‌ای از مقامات دیگر آمریکایی در همان روزهای آغازین، رسواتر از آن است که نیاز به استدلال داشته باشد. کسانی در طول دهه‌ها و بیش از آن در چند سال گذشته در بیرون از ایران استخدام، تطمیع، آموزش و به گستردگی سازمان‌دهی شده بودند. کمینه بنای این نوشته اجمالا ورود به نقد نیست، باوجوداین تمرکز و سرگرم‌شدن نیروها و نهادهای ذی‌ربط و حتی مجلس و... به پاره‌ای مباحث جانبی و سخت‌گیری‌های غیرملی که به قطبی‌سازی جامعه منجر و بحران‌های تأسف‌بار اجتماعی را موجب شد، دانسته یا نادانسته با انتقال حساسیت‌ها به امور فرعی و مسائل بی‌ربط، به صورت تأسف‌باری موجبات کم‌توجهی و بی‌توجهی نهادهای مسئول در رصد جریانات ضد امنیتی گوناگونی شد. بر این کژراهه همچنین می‌توان به فقدان اندیشگی ملی و بی‌کفایتی در درک ظرایف در رهاکردن مرزهای شرقی و در نتیجه ورود بی‌ضابطه و خطرناک میلیون‌ها مهاجر افغان و در میان آنان مأموران آزموده بسیار را افزود (سرفصلی که بررسی تبعات خطرناک داخلی و خارجی آن مجال دیگری طلب می‌کند). کم‌اعتنایی و بی‌اعتنایی به نارضایتی‌های انباشته اجتماعی و گمراهی‌های برشمرده و... شوربختانه در ویرانگری‌های جنگ ۱۲روزه و به‌ویژه ترورهای برنامه‌ریزی‌شده در هر دو مرحله فاجعه آفرید. کوتاهی و جریان سوئی که در بیانی بهداشتی، نشانه‌هایی آشکار از سرگشتگی و ضعف نظری داشت و دارد و از منظری دیگر منطقا مشکوک است و قابل ردیابی.

۸- باور بر آن است که باطل‌السحر تمام آن سرمایه‌گذاری‌ها و توطئه‌های اهریمنی کاملا برنامه‌ریزی‌شده دهه‌های ماضی، حضور جانانه مردم در خیابان‌ها و تداوم پرشور آن بود. این واقعیت یک بار دیگر دلبستگی ملت به ایران و بقای آن و سرنوشت این فرهنگ را با قوت به رخ جهانیان کشید. به تکرار و با شگفتی گزارش شد که ایرانیان نه‌تنها از جنگ فرار نمی‌کنند، بلکه از قضا برای دفاع از کشور و همراهی و هم‌نوایی با هم‌وطنان خود به میهن بازمی‌گردند. این پدیده تاریخ‌ساز از جهات گوناگونی شایسته تجزیه و تحلیل و پژوهش است ولی در اینجا فقط به گذری اجمالی بسنده می‌شود.

الف- مهم‌ترین ویژگی این خیزش که بی‌گمان نشانه‌هایی از اصالت و هویت تاریخی را روایت می‌کند، فهم اجتماعی این ملت بود. اقشار و بخش وسیعی از مردم با وجود تبلیغات پرحجم و حرفه‌ای دشمنان این سرزمین و مزدوران آنان به‌درستی آموختند که میهن به صورت جدی در خطر است، بنابراین نجات کشور را اولویت و وظیفه بی‌چون‌وچرای خود دانستند.

ب- رزمندگان با اطمینان‌بخشی از مرزها، از مردم خواستند تا با حضور خود حافظ شهرها باشند، ضرورتی که درک و اجابت شد. پس خیابان‌ها سنگر شد و این آگاهی و هوشیاری در روزهای بعد به‌سرعت منتقل شد و گسترش یافت و به یک خیزش سراسری در کشور تبدیل شد و با همه مخاطرات، تهدیدات و سختی‌ها همچنان تداوم یافت. در همین حضور بود که دیدارهای طیف‌های مختلف مردم تازه شد و در این اجتماع پرشور بود که ملت خود را بازشناخت.

پ- اندک‌اندک با بردباری و تسامح، تفاوت‌ها در خیابان‌ها به رسمیت شناخته و همنشینی و مهربانی قاعده شد. به نام ایران بر هم اثر گذاشتند، از فصل‌ها کاسته و بر وصل‌ها افزوده شد. با حجاب و کم‌حجاب و... سخنانی بر زبان راندند که سال‌ها بود شنیده نمی‌شد. گزارش‌های منابع گوناگون، هم‌نوایی، تفاهم، آشتی را دلالت می‌کرد. همه در خیابان‌های شهر خودی بودند. ایران‌بانو همه فرزندان خود را به مهر جمع کرده بود، حتی کسانی را که در دی‌ماه شاید تصور می‌کردند در برابر هم‌اند. همه دانستند که اولویت بقا و نجات کشور است، ایران باید از این ورطه خطرناک به سلامت و سربلندی عبور کند.

ادامه در صفحه ۵

برگزیده‌ها

گزارش میدانی «شرق» از پل بمباران‌شده کرج که بنا بود همین فروردین افتتاح شود

باراندوه بر شانه «پل ایران»

۳

ماتادور ضد جنگ

پرچمی که سانچز به دست گرفت

۴

نگاه

مشق مهربانی در روزهای سخت

یادداشتی از قادر باستانی‌تبریزی

۸

وقتی موسیقی سپر مردم و برق می‌شود

علی قمصری در نیروگاه می‌نوازد

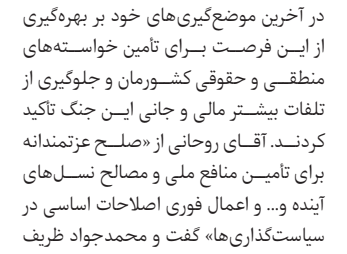

۸

یادداشت

کجای این جنگ ایستاده‌ایم؟

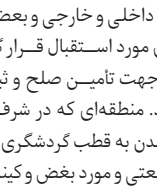

حسین حقگو
کارشناس اقتصادی

نمی‌دانیم در کدام لحظه این جنگ ویرانگر قرار داریم: آغاز، میانه یا پایان آن. اما خاتمه‌یافتن آن در این زمان که کشورمان دست برتر را دارد شاید ارجح و معقولانه‌تر باشد. از همین منظر است که رئیس‌جمهور و وزیر خارجه اسبقمان در آخرین موضع‌گیری‌های خود بر بهره‌گیری از این فرصت برای تأمین خواسته‌های منطقی و حقوقی کشورمان و جلوگیری از تلفات بیشتر مالی و جانی این جنگ تأکید کردند. آقای روحانی از «صلح عزتمندانه برای تأمین منافع ملی و مصالح نسل‌های آینده و... و اعمال فوری اصلاحات اساسی در سیاست‌گذاری‌ها» گفت و محمدجواد ظریف از «توافق جامع صلح و تبدیل فاجعه جنگ به‌عنوان فرصتی برای پایان‌دادن به ۴۷ سال خصومت». گفتاری که اگرچه از سوی افراد و نیروهای تندرو در داخل مورد حمله و هجوم قرار گرفت و درخواست برخورد قضائی و محاکمه گویندگان این سخنان و به‌خصوص محمدجواد ظریف مطرح شد اما از سوی کارشناسان داخلی و خارجی و بعضی مقامات منطقه‌ای مورد استقبال قرار گرفت و این نگرش در جهت تأمین صلح و ثبات منطقه قلمداد شد. منطقه‌ای که در شرف شکوفایی و تبدیل‌شدن به قطب گردشگری و فناوری و توسعه صنعتی و مورد بغض و کینه اسرائیل و طمع مقاطعه‌کاران و پیمانکاران و کاسبکاران خرابی و ویرانی است. اتفاقا میهنمان در این گذار منطقه‌ای (خلیج فارس و خاورمیانه) به سوی پیشرفت و توسعه، بیشترین منفعت را خواهد برد، چراکه بالاترین استعدادها و مزیت‌ها اعم از نیروی انسانی و توان فرهنگی و تمدنی و منابع معدنی و زیرساختی را دارد که می‌تواند منجر به گذار به جامعه‌ای توسعه‌یافته و صنعتی شود. از منظر سازوکار درونی اقتصادی نیز نگرش مبتنی بر خاتمه عزتمندانه جنگ بسیار معنادار و به‌صرفه و به صلاح مردم و کشور است.

ادامه در صفحه ۵

سرمقاله

حال و آینده این جنگ

کوروش احمدی
دیپلمات‌پیشین

هر جنگی در نهایت با هر نتیجه‌ای باید سرانجام متوقف شود و ترجیحا به صلحی پایدار بینجامد. لازمه و پیش‌شرط خاتمه هر جنگی، تماس و توافق است. در این مسیر آنچه مهم است، این است که جنگ با حداقل خسارت برای کشورها و مردمانی که معمولا تقصیری در وقوع آن ندارند، خاتمه یابد. علاوه بر شرایط خاتمه جنگ، دو موضوع دیگر نیز مهم است: ۱. جنگ با حداقل خسارت برای مُلک و ملت خاتمه یابد و ۲. جنگ به نحوی خاتمه یابد که بعد از آن، کشور با کمترین مشکل در داخل و در خارج مواجه باشد. بسیاری از مقامات کنونی تجربه سه جنگ را دارند. آنها باید تجربه جنگ ایران و عراق را همواره مدنظر داشته باشند و بکوشند تا برعکس آن تجربه، شرایط را به‌طور عینی ارزیابی کرده و از هر اهرم و فرصتی به‌موقع استفاده کنند.

دیروز در اخبار بین‌المللی صحبت از تلاش جدیدی با محوریت پاکستان برای خاتمه جنگ بود. محور این تلاش ظاهرا طرحی دومرحله‌ای است که شامل توقف فوری جنگ و بازگشایی تنگه هرمز در مرحله اول و توافق نهایی طی حدود سه هفته در مرحله دوم است که شامل خاتمه کامل جنگ و حل مسئله برنامه هسته‌ای ایران و لغو تحریم‌ها و آزادی دارایی‌های ایران باشد. ظاهرا موجودی اورانیوم غنی‌شده در ایران و ارائه تضمین‌ها برای عدم حمله مجدد به ایران نیز در آن مطرح است. آقای بقایی دیروز در پاسخ به پرسشی در این رابطه، حتی جوابی تلویحی نیز به این سؤال نداد. روشن نیست که چرا وزارت خارجه از ورود به موضوعاتی که در چارچوب وظایف قطعی و ذاتی‌اش قرار دارد، ابا دارد. البته از انواع فشارها بی‌اطلاع نیستیم.

مقامات ما به درستی برآن‌اند که این جنگ باید به‌گونه‌ای خاتمه یابد که دیگر تکرار نشود. اولا تصور می‌کنم که با توجه به مقاومت مقتدرانه‌ای که برای جلوگیری از تحقق اهداف دشمن انجام شده، این هدف اکنون تا حد زیادی حاصل است. اکنون برای طرف مقابل مسلم شده که در شرایط جنگی، ایران برای دفاع از خود اقدام خواهد کرد و در صورت نیاز تردیدی نیز در کنترل دوباره تنگه هرمز به خود راه نخواهد داد؛ اقدامی که در شرایط تجاوز غیرقانونی و متخلفانه به ایران می‌تواند به لحاظ حقوق بین‌الملل نیز موجه باشد. با اتفاقاتی که در پنج هفته گذشته افتاده، بعید است بار دیگر دشمن اشتباه مشابهی را تکرار کند. بنابراین مقامات ما می‌توانند بر پایه تجربه‌ای که حاصل شده است، نگران سوءاستفاده از توقف موقت جنگ نباشند. به‌علاوه، مقامات ما باید توجه داشته باشند که هیچ گفته یا سندی مکتوب تضمین قطعی عدم تجاوز نخواهد بود. ضامن واقعی شرایطی عینی، ازجمله توازن قوا و صف‌بندی نیروها و انسجام ملی است. هیچ‌گاه در طول تاریخ هیچ سندی تضمین‌کننده امنیت ملی هیچ کشوری نبوده است. روسیه در ۱۹۹۴ طی پیمان لازم‌الاجرائی به اوکراین تضمین داد که بعد از انتقال بمب‌های اتمی شوروی به روسیه، مسکو هرگز مرتکب تجاوز به اوکراین نخواهد شد و آمریکا و انگلیس نیز این سند قوی را تضمین کردند. نتیجه را می‌دانیم.

به‌علاوه، با توجه به جنایات مستمر جنگنده‌ها و موشک‌های دشمن در قلمرو ایران و تهدید به زدن زیرساخت‌ها، بعید می‌دانم نیاز به توقف موقت جنگ جهت انجام تماس‌های لازم برای تحقق خواسته‌های ایران قابل اجتناب باشد. به سود ماست که هرچه زودتر این تجاوزات مستمر حتی به‌صورت موقت متوقف شود. بدیهی است که اگر شرایط ما را نپذیرند، همیشه امکان ازسرگیری جنگ وجود خواهد داشت. مشکل این است که با توجه به زمان‌بربودن تماس‌ها برای نیل به توافق، کشور نمی‌تواند همچنان در حالت جنگی باقی بماند و خطر ویرانی زیرساخت‌ها را بپذیرد. همچنین سؤال این است که آیا برای دستیابی به هر توافقی ازجمله درباره «خاتمه کامل جنگ» به شمول تضمین مورد نظر، راهی جز تماس وجود دارد؟ تجربه جنگ ایران و عراق در این رابطه نشان داد هیچ‌گاه پرچم صلح‌خواهی را نباید زمین گذاشت. اسرائیل به دلیل قرارداشتن در یک ژئوپلیتیک آسیب‌پذیر، از ابتدای حیات ننگین خود پیوسته درصدد تخریب و ویرانی همه کشورهای مسلمان منطقه بوده است و در همین چارچوب بعید نیست که امروز نیز از تخریب کشورهای اسلامی با مردمانی که صرف‌نظر از سیاست دولت‌هایشان از اسرائیل نفرت دارند، استقبال کند. به‌علاوه، ما به حکم جغرافیا محکوم به همزیستی با همسایگان هستیم، حتی اگر آنها در دوره‌ای با دشمن ما همکاری کرده باشند.

ادامه در صفحه ۵